

بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های تفکر و خلاقیت با انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان

دوره اول متوسطه ناحیه ۲ شهر خرم‌آباد

مسلم قبادیان^{۱*}، فرشته لطیف پور^۲

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان لرستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸)

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های تفکر و خلاقیت با انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان دوره اول متوسطه ناحیه ۲ شهر خرم‌آباد بود. روش پژوهش توصیفی - همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان متوسطه اول ناحیه دو شهر خرم‌آباد (۵۵۵۳ نفر) بود که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان حجم نمونه، ۳۶۰ نفر (۱۶۵ دختر، ۱۹۵ پسر) تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر، آزمون خلاقیت عابدی و انگیزه پیشرفت هرمنس استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد بین سبک‌های تفکر قانون‌گذار، اجرایی، قضایی، تک‌سالار، سلسله‌مراتبی، هرج‌ومرج‌سالاری، کلی، جزئی، بیرونی و آزاداندیش با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود؛ ولی بین سبک‌های تفکر گروه‌سالاری، درونی و محافظه‌کار با انگیزه پیشرفت رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین بین کل مقیاس خلاقیت و ابعاد آن (سیالی، بسط، ابتکار، انعطاف‌پذیری) با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. علاوه بر این براساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام، از بین متغیرهای پیش بین وارد شده در تحلیل در سبک‌های تفکر، سبک تفکر بیرونی، سلسله‌مراتبی، اجرایی و آزاداندیش باهم ۱۹ درصد و در ابعاد خلاقیت، بُدهای سیالی و ابتکار باهم ۲۰ درصد از واریانس انگیزه پیشرفت را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های تفکر، خلاقیت، انگیزه پیشرفت، دانش‌آموزان، شهر خرم‌آباد

شاید بتوان گفت محور بنیادی آموزش و پرورش آینده، انگیزش و مطالعات مربوط به آن است یکی از وظایف اصلی روانشناسی و علوم تربیتی آن است که در کنار پیشرفت سریع و فزاینده‌ی علم و فن به پرورش استعداد، ایجاد انگیزه‌های پایدار، بالابردن ظرفیت افراد و در مجموع به آماده ساختن انسان‌هایی پردازد که از لحاظ عاطفی و روانشناختی قادرند خود را با چنین پیشرفت سریعی در علم، هماهنگ کنند و از عوارض احتمالی آن مصون بمانند. کلمه انگیزش مفاهیم مختلفی دارد، اما همه روانشناسان در این نکته اتفاق نظر دارند که انگیزه عاملی است درونی که رفتار شخص را تحریک کرده و در جهت معینی سوق می‌دهد و آن را هماهنگ می‌سازد انگیزه را به طور مستقیم نمی‌توان مشاهده کرد ولی وجود آن را از روی رفتار شخص استنباط می‌کنیم در هر حال چنین مفهومی را برای توجیه رفتار لازم می‌دانیم (موری، ۱۹۸۳). از این رو یکی از مباحث جالب در روان‌شناسی که با زندگی روزمره ارتباط مستقیم دارد، انگیزش^۱ است. بیشتر افراد در این فکر هستند که چگونه به خود و دیگران برای انجام کاری انگیزه دهند. ساختار انگیزشی عامل مهمی است که بر روی تغییرات اجتماعی و تحول جوامع اثر می‌گذارد. انگیزش تمایل به انجام کار یا حرکت به سمت کاربست رفتاری خاص است (گراهام^۲، ۲۰۰۴). انگیزه پیشرفت را می‌توان این گونه تعریف کرد، وقتی فرد برای موفقیت انگیزه می‌کند، انتظار پیامدهای مثبت دارد و وقتی برای اجتناب از شکست با انگیزه می‌شود انتظار پیامدهای منفی دارد (برانستاین و مایر^۳، ۲۰۰۵). یکی از مهمترین انگیزه‌های تعیین کننده رفتار انسانی «انگیزه پیشرفت یا نیاز به پیشرفت است». موری (۱۹۸۳) انگیزه پیشرفت را چنین تعریف می‌کند: «کار مشکلی را با موفقیت دادن، تسلط یافتن، دستکاری کردن و انتظام بخشیدن به اشیاء آدم‌ها و افکار، اعمال حداکثر سرعت و استقلال عمل در چنین فعالیت‌ها، گذاشتن از موانع دست یافتن به درجات ممتاز در فعالیتها، سرآمد بودن، رقابت کردن و پیشی جستن از دیگران و بالابردن و عزت نفس از طریق موفقیت آمیز استعدادهای».

انگیزه پیشرفت مبنای رسیدن به موفقیت و رسیدن به عمل آرزوهایمان در زندگی است (لیبرمن و ری میدیوس^۴، ۲۰۰۷). مدت زمانی که فرد به پیگیری فعالیتی می‌پردازد، شدت رفتاری که در آن درگیر است و پایداری در رفتار، همه در انگیزش و ترجیح افراد برای درگیر شدن در یک فعالیت نقش دارند (هارت و همکاران^۵، ۲۰۰۷).

با نگاهی دقیق به عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت تحصیلی به این نکته پی خواهیم برد که عوامل مختلفی به غیر از توانایی‌های فردی باعث انگیزه پیشرفت تحصیلی می‌شوند که تأثیرات بسزایی بر پیشرفت تحصیلی دارند (زانگ، ۲۰۰۱). یکی از این عوامل تأثیرگذار سبک‌ها است. سبک‌ها توانایی نیستند اما به روش ترجیحی افراد در استفاده از توانایی‌هایشان در تکالیف شناختی اشاره دارند (گریگورنکو^۶ و استرنبرگ^۷،

1 . motivation

2 . Graham

3 . Brunstein & Maier

4 . Liebermanh & Remedios

5 . Hart, Stasson., Mahoney & Story

6 .Grigorenko

7 . Sternberg

۱۹۹۵؛ رایدینگ^۱ و چیمما^۲، ۱۹۹۱؛ به نقل از برناردو^۳، زانگ و کالنگ^۴، ۲۰۰۲). پژوهش های مبتنی بر نظریه سبک ها هم نشان داده اند که سبک نقش مهمی در یادگیری دانش آموختگان بازی می کند (زانگ، ۲۰۱۰). یکی از نظریه هایی که به سبک ها می پردازد، نظریه ی خودحکومتی ذهنی^۵ استرنبرگ است. نظریه ی خودحکومتی ذهنی، سبک های تفکر^۶ مردم را که ممکن است در زمینه های متفاوت از جمله دانشگاه، خانه و جامعه استفاده شود، عنوان می کند. به طور اساسی، این نظریه با اندیشه ای که مردم برای اداره و مدیریت توانایی های هر روزه شان نیاز دارند، سروکار دارد (زانگ، ۲۰۱۰).

بر طبق گفته استرنبرگ (۱۹۹۷) سبک های تفکر بسیار کمتر از آنچه استحقاقش بوده، مورد توجه قرار گرفته و بیشتر به عملکرد افراد اهمیت داده شده است. شکست ها و موفقیت هایی که به توانایی ها نسبت داده شده، اغلب ناشی از سبک هاست. یک معلم باید بداند که عملکرد ضعیف دانش آموز همیشه به علت عدم توانایی نیست بلکه به خاطر عدم تناسب بین سبک های تفکر دانش آموز و انتظاراتی است که معلم از او دارد. یا به عبارت دیگر توانایی نمی تواند به تنهایی بیانگر عملکرد متفاوت افراد باشد. استرنبرگ و گریگورنکو (۱۹۹۷) معتقدند که مطالعه شناخت سبک های تفکر در افراد، به این دلایل با اهمیت هستند که بین مطالعه ی شخصیت و موفقیت آنها پلی ایجاد می کند و می تواند برای پیش بینی موفقیت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان در محیط آموزشی مفید و ضروری واقع شود. سبکها به روشی گفته می شود که فرد ترجیح می دهد توانایی های خود را در آن جهت به کار گیرد. در حوزه روانشناسی یادگیری، سبکها به سه بخش سبک های یادگیری، شناختی و تفکر تقسیم می شود (گریگورنکو و استرنبرگ^۷، ۱۹۹۵). سابقه تأثیرگذاری نظریه سبکها بر یادگیری به اوایل دهه نود بر می گردد. در سال ۱۹۹۱ تئوری سبکهای شناختی و پس از چندی تئوری سبکهای تفکر استرنبرگ در حوزه آموزش و پرورش مطرح شد (هوراک و تویت^۸، ۲۰۰۱ به نقل از ابوالقاسمی نجف آبادی و همکاران، ۱۳۸۹).

علاوه بر سبک های تفکر، خلاقیت یکی از متغیرهای مهم مؤثر بر انگیزه پیشرفت می باشد. خلاقیت^۹ به عنوان سازه ای که ارتباط تنگاتنگی با تعلیم و تربیت دارد اخیراً بسیار مورد توجه واقع شده است. در تعریفی خلاقیت را به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر و مفهوم جدید و پیدایی و تولید اندیشه و یک فکر جدید تعریف کرده اند (سیف، ۱۳۹۲). تورنس^{۱۰} (۱۹۹۳) خلاقیت را ترکیب چهار عامل اصلی زیر می داند: ۱- سیالی: یعنی استعداد تولید ایده های فراوان، ۲- بسط: یعنی استعداد توجه به جزئیات ۳- ابتکار: یعنی

1. Riding
2. Cheema
3. Bernardo
4. Callueng
5. the theory of mental self-government
6. thinking style
7. Grigorenko & Sternberg
8. Horak & Toit,
9. creativity
10. Torrance

استعداد تولید ایده های نو و غیرمعمول ۴-انعطاف پذیری: یعنی استعداد تولید ایده های یا روشهای بسیار گوناگون.

خلاقیت موضوع جذابی است، افراد خلاق علایق و خواسته های خود را به ویژه مادامی که در شرایط کاری به سر می برند، هدایت می نمایند (گرل تان^۱، ۲۰۰۷). یکی از مهمترین منابع رشد و پیشرفت آدمی، خلاقیت می باشد، اگرچه فرهنگ و تمدن بشری نتیجه ی تلاش همه آدمیان در همه ی دوران ها است اما غنا و عظمت آن را مدیون گروهی از انسان ها هستیم که کاشف، مخترع، هنرمند، متفکر و خلاق نامیده می شوند. تمدن بشری مرهون اندیشه خلاق آدمی است و دوام آن نیز بدون بهره گیری از خلاقیت، غیرممکن خواهد بود. خلاقیت به فرد کمک می کند تا روابط مناسب تری با اعضای خانواده برقرار سازد، نگرش مثبت تری نسبت به زندگی و چشم اندازهای آینده پیدا کند و به حل مشکلات ارتباطی خود با دیگران اقدام کند (عسگری، ۱۳۸۶).

با مرور پیشینه پژوهشی، مطالعاتی در زمینه متغیرهای مذکور انجام شده است؛ برای مثال جاویدمهر، هدایتنژاد و ملوندی (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف رابطه خلاقیت با انگیزه پیشرفت در دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور واحد سبزوار انجام دادند. نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین انگیزش پیشرفت و خلاقیت دانشجویان رابطه وجود دارد. افراد خلاق دارای انگیزه پیشرفت بالا، کنجکاوی زیاد علاقه وافر به نظم و ترتیب در امور، قدرت ابراز وجود و خودکفایی شخصیت غیرمتعارف و غیررسمی، پشتکار و انضباط در کارها، استقلال و دانش وسیع هستند.

با جمع بندی مطالعات صورت گرفته، در زمینه سبک های تفکر در کشورمان تحقیقات زیادی صورت نگرفته است و با توجه به این که قشر وسیعی از جمعیت کشور را جوانان بویژه، دانش آموزان تشکیل می دهند و به دلیل اهمیت سبک های تفکر در آموزش و یادگیری فراگیران و همچنین انتخاب شغل مناسب و متناسب با سبک تفکرشان بررسی این متغیر ضروری به نظر می رسد. همچنین مطالعه و بررسی رابطه خلاقیت و انگیزه پیشرفت دانش آموزان و نتایج آن می تواند برای پرورش فراگیران بسیار سودمند باشد تا بتوانند به صورت خودانگیخته و خلاقانه یادگیری هایشان را افزایش دهند و بر یادگیری آنان افزوده خواهد شد. این امر خود به افزایش انگیزش دانش آموزان کمک می کند. این پژوهش در گستره ای که منجر به بهبود یا اصلاح، ساختار آموزشی که محصول آن، دانش آموزان فعال، پویا، مستقل، کارآمد و خلاق باشد، از ضرورت های ملموس و عینی نظام آموزشی کشورهاست؛ زیرا با کسب اطلاع در این زمینه، می توان برنامه آموزشی مناسب، طراحی و زمینه را برای افزایش انگیزه پیشرفت دانش آموزان فراهم آورد. این پژوهش سعی دارد تا گامی در این نظام آموزشی بردارد. بنابراین سؤال کلی تحقیق حاضر، این است که آیا بین سبک های تفکر و خلاقیت با انگیزه پیشرفت دانش آموزان دوره اول متوسطه ناحیه ۲ شهر خرم آباد رابطه معنادار وجود دارد؟

^۱ . Girl Tan

فرضیه های پژوهش

بین سبک های تفکر (قانون گذار، اجرایی، قضایی، تک سالار، سلسله مراتبی، گروه سالار و هرج و مرج سالاری) با انگیزه پیشرفت دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ناحیه ۲ خرم آباد رابطه وجود دارد.

بین سبک های تفکر (کلی، جزئی، درونی، بیرونی، آزاداندیش و محافظه کار) با انگیزه پیشرفت دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ناحیه ۲ خرم آباد رابطه وجود دارد.

بین ابعاد خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری) با انگیزه پیشرفت دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ناحیه ۲ خرم آباد رابطه وجود دارد.

روش

روش تحقیق از لحاظ ماهیت، توصیفی - همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دوره اول متوسطه ناحیه دو شهر خرم آباد می باشد که مطابق آمارنامه اداره کل آموزش و پرورش در سال ۹۹-۱۳۹۸ تعداد آنها برابر ۵۵۵۳ نفر بود. براساس جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه برابر با ۳۶۰ نفر (۱۶۵ دختر، ۱۹۵ پسر) تعیین گردید که این نمونه به شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبی بر حسب جنسیت انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنس (۱۹۸۷) با پایایی ۰/۸۸، پرسشنامه سبک های تفکر، استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲) با پایایی ۰/۷۸ و خلاقیت عابدی (۱۳۶۳) با پایایی ۰/۹۲ بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار شامل جداول توزیع فراوانی و نمودارها و شاخص های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده گردید.

یافته ها

برای استفاده صحیح از آزمون های آماری مناسب، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن یا غیر نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه تعیین گردیده که نتایج آن در قالب جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف جهت تعیین نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای مورد مطالعه	تعداد	آماره Z	سطح معنی داری (sig)
سبک تفکر قانون گذار	۳۶۰	۱/۱۶	۰/۱۳۲
سبک تفکر اجرایی	۳۶۰	۱/۱۰	۰/۱۶۱
سبک تفکر قضایی	۳۶۰	۱/۱۹	۰/۱۰۹
سبک تفکر تک سالار	۳۶۰	۱/۱۳	۰/۱۴۹
سبک تفکر سلسله مراتبی	۳۶۰	۱/۲۲	۰/۰۸۹
سبک تفکر گروه سالاری	۳۶۰	۱/۱۷	۰/۱۲۹
سبک تفکر هرج و مرج سالاری	۳۶۰	۱/۱۴	۰/۱۴۸
سبک تفکر کلی	۳۶۰	۱/۱۸	۰/۱۱۸
سبک تفکر جزئی	۳۶۰	۱/۲۰	۰/۱۰۷

۰/۱۴۹	۱/۱۴	۳۶۰	سبک تفکر درونی
۰/۱۶۴	۱/۰۹	۳۶۰	سبک تفکر بیرونی
۰/۱۵۱	۱/۱۱	۳۶۰	سبک تفکر آزاداندیش
۰/۱۳۶	۱/۱۵	۳۶۰	سبک تفکر محافظه‌کار
۰/۳۴۸	۰/۹۳۴	۳۶۰	خلاقیت
۰/۲۹۶	۰/۹۷۸	۳۶۰	سیالی
۰/۲۳۱	۱/۰۵	۳۶۰	بسط
۰/۳۴۲	۰/۹۳۸	۳۶۰	ابتکار
۰/۲۶۱	۰/۹۹۹	۳۶۰	انعطاف‌پذیری
۰/۱۰۷	۱/۲۰	۳۶۰	انگیزه پیشرفت

همانطوری که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، مقادیر به دست آمده برای آماره‌های Z محاسبه شده در سطح آلفای $\alpha=0/05$ ، معنی‌دار نیستند ($sig>0/05$)، لذا فرض H_0 دال بر نرمال بودن توزیع متغیرها رد نمی‌گردد. بنابراین چنین استنباط می‌شود که متغیرهای مورد مطالعه از توزیع نرمال برخوردارند. لذا فرض نرمال بودن توزیع متغیرها برقرار است. بر این اساس و با توجه به فاصله‌ای بودن مقیاس متغیرها برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج ضریب همبستگی بین سبک‌های تفکر و انگیزه پیشرفت

متغیر X	متغیر Y	تعداد	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (sig)
سبک تفکر قانون‌گذار	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۱۷۶	۰/۰۰۱
سبک تفکر اجرایی	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۳۰۶	۰/۰۰۱
سبک تفکر قضایی	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۲۶۹	۰/۰۰۱
سبک تفکر تک‌سالار	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۱۲۵	۰/۰۱۸
سبک تفکر گروه‌سالاری	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۰۳۸	۰/۴۶۹
سبک تفکر هرج‌ومرج‌سالاری	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۱۲۷	۰/۰۱۶
سبک تفکر کلی	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۱۷۲	۰/۰۰۱
سبک تفکر جزئی	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۱۱۲	۰/۰۰۳۴
سبک تفکر درونی	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	-۰/۰۱۷	۰/۷۴۴
سبک تفکر بیرونی	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۳۱۹	۰/۰۰۱
سبک تفکر آزاداندیش	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۲۷۱	۰/۰۰۱
سبک تفکر محافظه‌کار	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۰۳	۰/۵۷۷

همانطوری که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد:

بین سبک تفکر قانون‌گذار با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر قانون‌گذار، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر اجرایی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر اجرایی، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر قضایی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر قضایی، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر تک‌سالار با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر تک‌سالار، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر سلسله‌مراتبی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر سلسله‌مراتبی، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر گروه‌سالاری با انگیزه پیشرفت رابطه معناداری وجود ندارد.

بین سبک تفکر هرج‌ومرج‌سالاری با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر هرج‌ومرج‌سالاری، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر کلی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر کلی، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر جزئی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر جزئی، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر درونی با انگیزه پیشرفت رابطه معناداری وجود ندارد.

بین سبک تفکر بیرونی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر بیرونی، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر آزاداندیش با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سبک تفکر آزاداندیش، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین سبک تفکر محافظه‌کار با انگیزه پیشرفت رابطه معناداری وجود ندارد.

در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی انگیزه پیشرفت از طریق سبک‌های تفکر آورده شده است.

جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه و ضرایب تعیین برای سبک‌های تفکر

گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین باقی‌مانده در تحلیل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	آماره F	سطح معناداری
گام ۱	سبک تفکر بیرونی	۰/۳۱۹	۰/۱۰۲	۴۰/۴۶	۰/۰۰۱
گام ۲	سبک تفکر بیرونی + سبک تفکر	۰/۳۸۶	۰/۱۴۹	۳۱/۱۷	۰/۰۰۱
گام ۳	سبک تفکر بیرونی + سبک تفکر	۰/۴۱۱	۰/۱۶۹	۲۴/۱۱	۰/۰۰۱
گام ۴	سبک تفکر بیرونی + سبک تفکر	۰/۴۳۳	۰/۱۸۷	۲۰/۴۴	۰/۰۰۱

همانطوری که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند، تحلیل رگرسیون اجرا شده در یک گام صورت گرفته است، که در این چهار گام از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در تحلیل، بر اساس بیشترین سطح معناداری سبک تفکر بیرونی به تنهایی ۱۰ درصد ($R^2 = 0/102, F = 40/46, sig < 0/01$)؛ سبک تفکر بیرونی و سلسله‌مراتبی با هم ۱۵ درصد ($R^2 = 0/149, F = 31/17, sig < 0/01$)؛ سبک تفکر بیرونی، سلسله‌مراتبی و اجرایی با هم ۱۷

درصد (۰/۰۱ < sig, F = ۲۴/۱۱, R² = ۰/۱۶۹) و سبک تفکر بیرونی، سلسله‌مراتبی، اجرایی و آزاداندیش باهم ۱۹ درصد (۰/۰۱ < sig, F = ۲۰/۴۴, R² = ۰/۱۸۷)؛ از واریانس انگیزه پیشرفت را تبیین می‌کنند.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون استاندارد شده (β) و آزمون‌های معنی‌داری مربوطه t

گام‌ها	متغیرهای پیش بین	ضرایب بتا (β)	آماره t	سطح معنی‌داری (sig)
گام اول	سبک تفکر بیرونی	۰/۳۱۹	۶/۳۶	۰/۰۰۱
گام دوم	سبک تفکر بیرونی	۰/۲۴۷	۴/۸	۰/۰۰۱
	سبک تفکر سلسله‌مراتبی	۰/۲۲۹	۴/۴۴	۰/۰۰۱
گام سوم	سبک تفکر بیرونی	۰/۱۹۹	۳/۸۳	۰/۰۰۱
	سبک تفکر سلسله‌مراتبی	۰/۱۸۳	۳/۴۵	۰/۰۰۱
	سبک تفکر اجرایی	۰/۱۶۱	۲/۹۴	۰/۰۰۳
گام چهارم	سبک تفکر بیرونی	۰/۱۵۸	۲/۸۸	۰/۰۰۴
	سبک تفکر سلسله‌مراتبی	۰/۱۲۳	۲/۱۷	۰/۰۳
	سبک تفکر اجرایی	۰/۱۸۷	۳/۴	۰/۰۰۱
	سبک تفکر آزاداندیش	۰/۱۵۴	۲/۸۲	۰/۰۰۵

همانطوری که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند، از بین متغیرهای پیش بین وارد شده در تحلیل بر اساس بیشترین سطح معناداری سبک‌های تفکر بیرونی، سلسله‌مراتبی، اجرایی و آزاداندیش در تحلیل باقی مانده و سایر سبک‌های تفکر از تحلیل خارج شده‌اند.

جدول ۵: نتایج ضریب همبستگی بین سیالی، بسط، ابتکار، انعطاف‌پذیری و انگیزه پیشرفت

متغیر X	متغیر Y	تعداد	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (sig)
سیالی	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۴۱	۰/۰۰۱
بسط	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۳۳۷	۰/۰۰۱
ابتکار	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۳۴	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری	انگیزه پیشرفت	۳۶۰	۰/۱۹	۰/۰۰۱

همانطوری که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد:

بین سیالی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات سیالی، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین بسط با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات بسط، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین ابتکار با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات ابتکار، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

بین انعطاف‌پذیری با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات انعطاف‌پذیری، نمرات انگیزه پیشرفت افزایش می‌یابد.

در جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی انگیزه پیشرفت از طریق ابعاد خلاقیت آورده شده است.

جدول ۶: ضرایب همبستگی چندگانه و ضرایب تعیین برای ابعاد خلاقیت

گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین باقی مانده در تحلیل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	آماره F	سطح معناداری
گام ۱	سیالی	۰/۴۱	۰/۱۶۸	۷۲/۲۵	۰/۰۰۱
گام ۲	ابتکار	۰/۴۴۹	۰/۲۰۱	۴۵/۰۲	۰/۰۰۱

همانطوری که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهند، تحلیل رگرسیون اجرا شده در دو گام صورت گرفته است، که در این دو گام از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در تحلیل، بر اساس بیشترین سطح معناداری سیالی به تنهایی ۱۷ درصد ($R^2 = 0/168, F = 72/25, sig < 0/01$) و سیالی و ابتکار با هم ۲۰ درصد ($R^2 = 0/201, F = 45/02, sig < 0/01$) از واریانس انگیزه پیشرفت را تبیین می‌کنند.

جدول ۷: ضرایب رگرسیون استاندارد شده (β) و آزمون‌های معنی داری مربوطه t

گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین	ضرایب بتا (β)	آماره t	سطح معنی‌داری (sig)
گام اول	سیالی	۰/۴۱	۸/۵	۰/۰۰۱
گام دوم	سیالی	۰/۳۲۳	۶/۱۸	۰/۰۰۱
	ابتکار	۰/۲۰۲	۳/۸۶	۰/۰۰۱

همانطوری که نتایج جدول ۷ نشان می‌دهند، از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در تحلیل بر اساس بیشترین سطح معناداری ابعاد سیالی و ابتکار در تحلیل باقی مانده و بسط و انعطاف‌پذیری از تحلیل خارج شده‌اند.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های تفکر و خلاقیت با انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان دوره اول متوسطه ناحیه ۲ شهر خرم‌آباد بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که بین سبک‌های تفکر (قانونگذار، اجرایی، قضایی، تک‌سالار، سلسله‌مراتبی، هرج و مرج سالار، کلی، جزئی، آزاد اندیش) با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معنار داری وجود دارد. یافته‌های این بخش از پژوهش با پژوهش‌های انجام شده توسط شریعتمداری و سیدین ناوان (۱۳۹۳)؛ احمدی مبارکه و فرهوش (۱۳۹۲)؛ کدیور، جوادی و ساجدیان (۱۳۸۹) و شکری و همکاران (۱۳۸۵) هماهنگ می‌باشد. محققان مذکور در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک‌های تفکر (قانونگذار، اجرایی، قضایی، تک‌سالار، سلسله‌مراتبی، هرج و مرج سالار، کلی، جزئی، آزاد اندیش) با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معنار داری وجود دارد. در تبیین یافته‌های بدست آمده می‌توان بیان نمود که افراد داری سبک تفکر اجرایی تمایل به پیروی از دستورها دارند و در واقع در یادگیری به صورت مستقل عمل نمی‌کنند. شاید دلیل عمده آن را بتوان در شیوه آموزش افراد که در دوران مدرسه و هم‌چنین دانشگاه بیشتر به صورت سخنرانی و یک‌سویه‌ی از بالا به پایین بوده است، دانست. در واقع دانش‌آموزان دارای سبک تفکر اجرایی که افرادی مطیع هستند و بدون هیچ انتقادی به تحصیل مشغول می‌شوند و هنجارشکنی نمی‌کنند از دید معلمان و اساتید افراد موفق‌تری هستند، در نتیجه در هنگام ارزیابی میزان خودراهبری خود با توجه به پیشرفت‌های خود و همچنین با توجه به اینکه از سوی معلمان خود تضعیف

نشده‌اند، خود را به صورت مطلوبی ارزیابی می‌کنند. افراد دارای سبک تفکر قضایی به اظهار نظر درباره امور و ارزیابی مسائل مختلف و قضاوت افراد علاقمندند. هم‌چنین افراد دارای این سبک تفکر مولد خلاقیت هستند و به پردازش اطلاعات پیچیده می‌پردازند. این ویژگی‌ها با مشخصات افراد دارای انگیزه پیشرفت، که فراگیرانی فعال، خودجوش، مسئولیت‌پذیر، خود انضباط و از همه مهمتر دارای توانایی ارزیابی از دانسته‌های خود و دیگران هستند، همخوانی دارد. شخص دارای تفکر سلسله مراتبی، سلسله مراتبی از اهداف دارد و نیاز به دسته بندی اولویت‌ها را تشخیص می‌دهد. نظر به این که، همه‌ی اهداف نمی‌توانند تکمیل شوند یا حداقل به طور یکسان تکمیل شوند. این شخص نسبت به فرد تک سالار گرایش به بیشتر پذیرفتن پیچیدگی دارد و نیاز به از نظر گذراندن مشکلات از شماری از زاویه‌ها برای دسته بندی خوب اولویت‌ها را تشخیص می‌دهد. اشخاص سلسله مراتبی تمایل دارند تا به خوبی با سازمان تطابق یابند چون آنها نیاز به اولویت گذاری را تشخیص می‌دهند. با وجود این، اگر اولویت‌های آنها با اولویت‌های سازمان متفاوت باشند، ممکن است مشکلات در حال سازماندهی کار به طریقه‌ی خودشان اما متفاوت با اولویت‌های سازمان پیدا شوند. شخص دارای تفکر هرج و مرج سالار، به نظر می‌رسد که به وسیله‌ی تنوعی از نیازها و اهدافی که جور کردن آنها برای او و هم‌چنین برای دیگران دشوار است، با انگیزه می‌شود. مردم هرج و مرج سالار آنچه را که به نظر می‌رسد مانند نگاهی تصادفی به مشکلات است، می‌گیرند، آنها به سیستم‌ها و به خصوص اشخاص جدی و مخالفت کردن در هر سیستمی که آن را به عنوان محدود کننده‌ی خود می‌بینند، تمایل دارند. اگرچه اشخاص هرج و مرج سالار ممکن است در سازگاری با مدرسه و کار به طور خاص اگر محیط جدی است، مشکل داشته باشند. آنها اغلب پتانسیلی بالاتری نسبت به این که بسیاری از مردمی که هرج و مرج سالارها را بسیار ناخوش آیند می‌یابند، برای همکاری خلاقانه تمایل دارند. چون هرج و مرج سالارها تمایل به چیدن کمی از اینجا، کمی از آنجا دارند، آنها اغلب پاره‌های مختلف اطلاعات و ایده‌ها را در یک روش خلاق گرد هم می‌آورند. آنها در قلمرو چیزهایی که در نظر می‌گیرند مسافت یابی گسترده‌ای می‌کنند و بنابراین ممکن است راه حل‌هایی برای مشکلات ببینند که دیگران چشم پوشی می‌کنند. مشکل برای معلم، والدین یا صاحب کار کمک به شخص هرج و مرج سالار برای تحت کنترل درآوردن این پتانسیل خلاقیت و رسیدن به خود نظم دهی و سازمان دهی که برای هر نوع از همکاری خلاقانه ضروری است، هست. اگر این تلاش‌های تحت کنترل درآوردن کار کند، بعد از آن شخص هرج و مرج سالار ممکن است موفقیت در قلمروهایی که دیگران ممکن است در آنها شکست بخورند را به پایان برساند. شخصیت‌های کلی ترجیح می‌دهند تا با موضوعات نسبتاً بزرگ و انتزاعی سروکار داشته باشند. آنها به جزئیات بی توجهی می‌کنند یا آنها را دوست ندارند؛ ولی شخصیت‌های دارای تفکر جزئی، مشکلات عینی مستلزم کار با جزئیات را دوست دارند. آنها مایلند که به سمت عملیات یک موقعیت جهت داده شوند و اهل عمل هستند. با وجود این برخی از بدترین شکست‌های سیستمی مثل هواپیمایی و پرتاب موشک، هنگامی اتفاق افتاده است که مردم به آنچه در همان لحظه به نظر به جزئیات کوچک می‌رسد، بی توجهی کرده‌اند. بنابراین، تقریباً هر تیمی حداقل به تعدادی شخصیت‌های جزئی نیاز دارد. مردم جزئی و کلی می‌توانند به طور خاص به خوبی با هم کار کنند. چون هر کدام در جنبه‌ای از تکمیل کار شرکت می‌کنند

که دیگری ممکن است فراموش کند. دو فرد کلی در حال تلاش برای کامل کردن یک پروژه ممکن است هر کدام بخواهند تا با مشکلات بزرگ سروکار داشته باشند در نتیجه کسی باقی نمی ماند تا به دنبال جزئیات باشد؛ دو فرد جزئی ممکن است خودشان را در حالتی بدون این که شخصی باشد تا برنامه ریزی نوع بالاتر مورد نیاز برای انجام کار را انجام دهد، بیابند. شخصیت‌های آزادی خواه دوست دارند تا به فراتر از قوانین و راهکارهای موجود و به حداکثر تغییر برسند و به دنبال موقعیت‌هایی تا حدی مبهم هستند. فرد لزوماً به "لحاظ سیاسی" لیبرال نیست. یک محافظه کار سیاسی می تواند سبک آزادی خواه را در تلاش برای پیاده سازی یا گفتن یک دستور کار جمهوری خواه در یک روش جدید و همه جانبه داشته باشد. هیجان جویان مایلند تا سبکی آزادی خواه داشته باشند، به عنوان افرادی که به طور کلی به سرعت خسته می شوند. در بخش دیگری از این پژوهش نتایج بدست آمده نشان داد که بین سبک‌های تفکر گروه‌سالاری، درونی و محافظه‌کار با انگیزه پیشرفت رابطه معناداری مشاهده نشد. افراد دارای تفکر بیرونی نیز مایلند تا برون‌گرا و مردم‌گرا باشند. اغلب، آنها از نظر اجتماعی حساس و آگاه از آنچه درباره‌ی دیگران اتفاق می افتد، هستند. آنها دوست دارند هر جا که ممکن است با دیگران کار کنند. (استرنبرگ، ۱۹۹۷).

در بخش دیگری از پژوهش نتایج بدست آمده نشان داد که بین سبک‌های تفکر گروه‌سالاری، درونی و محافظه‌کار با انگیزه پیشرفت رابطه معناداری مشاهده نشد. فرد گروه سالار، در داشتن تمایلی برای انجام بیش از یک چیز در چارچوب زمانی یکسان مانند فرد سلسله مراتبی است. اما برعکس افراد سلسله مراتبی فرد گروه سالار مایل به با انگیزه شدن توسط چندین و اغلب اهداف رقابتی با اهمیت دریافتی یکسان هستند. اغلب، این افراد در مواجهه با خواسته‌های رقابتی در زمان آنها و مایه‌های دیگر احساس تحت فشار بودن می کنند. آنها همیشه درباره‌ی این که چه چیزی را اول انجام دهند یا چه قدر زمان باید به هر یک از وظایفی که آنها نیاز دارند تا کامل کنند، بدهند، مطمئن نیستند. با وجود این، حتی با حداقل راهنمایی طوری که اولویت‌های سازمان شامل آن می شود، می توانند به اندازه‌ی یا حتی بیشتر از مردمی با سبک‌های دیگر مؤثر شوند. در سایر موارد هم می توان به عواملی مانند متفاوت بودن شرایط خانوادگی، فرهنگی و... ویا ابزارمورد استفاده در پژوهش ونحوه تکمیل پرسشنامه اشاره کرد که نتایج متفاوتی را ارایه نموده است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین خلاقیت و ابعاد آن (سیالی، بسط، ابتکار، انعطاف‌پذیری) با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های جاویدمهر، هدایت نژاد و ملوندی (۱۳۹۶)، مرادی پردنجانی و همکاران (۱۳۹۳)، شاین و کالین (۲۰۰۳)، جانسون (۱۹۹۰) هماهنگ و همسو می باشد که در تحقیقاتشان نشان دادند که بین خلاقیت وانگیزش پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در تبیین این یافته‌های پژوهشی می توان گفت که دانش آموزان خلاق با توجه به ویژگی‌هایی مانند: فرایندهای یادگیری سطح بالاتر، ادراک وسیع تر، اهمیت بیشتری نسبت به تحصیل داده و درکی بالاتر از موضوعات درسی نسبت به دانش‌آموزان غیر خلاق دارند؛ از این رو هم تلاش بیشتری از خود نشان می دهند و هم یادگیری این دسته از دانش آموزان نسبت به دیگران عمیق تر است. در نتیجه انگیزه پیشرفت بهتری خواهند داشت.

منابع

- احمدی مبارکه، مهرناز و فرحوش، معصومه. (۱۳۹۲). رابطه سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری با انگیزش پیشرفت. فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی تحولی. ۹ (۳۵)، ۲۹۷-۳۰۶.
- ابوالقاسمی نجف آبادی، مهدی؛ نظری فر، فرهاد؛ کمالی، هادی و حسینی هفشجانی، تورج (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کارکرد سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی میان دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۲ (۴۷)، ۴۹-۶۱.
- استرنبرگ، جی. رابرت. (۲۰۰۲). سبک‌های تفکر. ترجمه: علاء الدین اعتمادی اهری و علی اکبر خسروی، ۱۳۸۱، چاپ دوم، تهران: نشر پژوهش دادار.
- تورنس، ئی پال. (۱۹۷۳). استعدادها و مهارتهای خلاقیت. مترجم دکتر حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو. جاویدمهر؛ محمود؛ محمدعلی هدایت نژاد و احمدرضا ملوندی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه خلاقیت با انگیزه پیشرفت. دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارتهای فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۲). روانشناسی پرورشی نوین، تهران: انتشارات دوران.
- شکری، امید؛ کدیور، پروین؛ فرزاد، ولی اله؛ سنگری، علی اکبر و غنایی، زیبا. (۱۳۸۵). نقش رگه های شخصیت و سبکهای تفکر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۲ (۷)، ۲۱۹-۲۳۵.
- شریعتمداری، مهدی و سیده فروغ سیدین ناوان (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین کارکردهای سبک های تفکر با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور. اولین کنفرانس بین المللی روان شناسی و علوم رفتاری، تهران، موسسه همایشگران مهر اشراق، مرکز همایشهای دانشگاه تهران.
- عسگری، محمد. (۱۳۸۶). تأثیر روشهای آموزشی خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ی چهارم ابتدایی، فصلنامه پژوهش های روان شناختی، ۳ (۴): ۹۷-۸۲.
- کدیور، پروین؛ جوادی، محمدجعفر وساجدیان، فاطمه (۱۳۸۹). رابطه سبک تفکر و خودتنظیمی با انگیزش پیشرفت. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات روانشناختی. ۶، ۳۴-۴۷.
- مرادی پردنجانی، حجت الله؛ جعفری، پریش؛ قاسمی، محمد؛ صادقی، ستار؛ حیدری، حسین (۱۳۹۳). تبیین رابطه انگیزه پیشرفت، مرکز کنترل و ریسک پذیری با خلاقیت. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. ۳ (۴): ۱۶۵-۱۸۲.

Bernardo, Allan B. I.; Zhang, L.F & Callueng, C.M. (2002). Thinking styles and academic achievement among Filipino students. *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*, 163, 149-163.

Brunstein, J.C. & Maier, G.W. (2005). Implicit and selfattributed motives toachieve: two separate but interacting needs. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89,205-222.

Girl Tan, A.(2007). *Creativity (A hand book for Teachers)*. UK: World Scientific Publishing.

Graham, S .(2004). Using attribution theory to understand social and academicmotivation in African American youth. *Educational Psychologist*, 32(1),p.21-34.

Grigorenko, E.L, & Sternberg , R. J. (1997). Of thinking, abilities, and academic performance. *Exceptional Children*, 63, 295-312.

- Hart, J.W., Stasson, M.F., Mahoney, J.M., & Story, P. (2007). The big five and achievement motivation: Exploring the relationship between personality and a two-factor model of motivation. *Individual Differences Research*, 5(4), p. 267- 274.
- Hennessey, Beth A & Amabile, Teresa M. (2005). "Extrinsic and intrinsic motivation." In N. Nicholson, P. Audia, & M. Pillutla (Eds.), *Blackwell Encyclopedia of Management, Second Edition, Organizational Behavior* (121- 122). Malden, MA: Blackwell Publishing.
- Johnson, B.R (1990). Toward a Multidimensional Model of Entrepreneurship the case of Achievement Motivation and The Entrepreneur. *Entrepreneurship Theory and Practice*. 14(3). 39-54.
- Liebermanh, D., & Remedios, R. (2007). Pounder graduates' motives for studying Change as they progress through their degrees?. *British Journal of Educational Psychology*, 77(2), 379-395.
- Murray H.A. (1983). *Exploration in personality new york:oxford university press*
- Shan, S. E & Collin, C. (2003). Entrepreneurial Motivation. *Human Resource Management Review*. 13 (12) 257 – 279.
- Sternberg , R. J & Grigorenko, E.L, (1997). Are Cognitive Styles? *American Psychologist*, 52,(7),700-712.
- Sternberg,R.J. (1997). *Thinking styles*. New York, Cambrige university press.
- Zhang, L.F. (2001b). Do styles of thinking matter among Hong Kong secondary school students? *Personality and Individual Differences*, 29, 841-856.
- Zhang, L.f. (2010). Further investigating thinking styles and psychosocial development in the Chinese higher education context. *Learning and Individual Differences*, 20, 593–603.

Relationship between thinking styles and creativity with students' achievement motivation

Abstract

The research has been performed to the aim of studying the relationship between thinking Styles and creativity with achievement motivation of junior schools student district 2 in khorramabad city in mind. Descriptive-correlation method of research has been used, to this aim. Statistical population include all of junior schools student district 2 in khorramabad city (5553 student), according to the statistical report of Education Department of khorramabad city for academic year of 2019-2020. Based on Krejcie-Morgan table, a sample size of 360 (165 girls, 195 boys) individuals has been selected based on random sampling method. To collect data, Thinking Styles Sternberg and Wagner, Abedi creativity test, and Hermans' Motivation have been used. To analyze data, indicators of descriptive statistics including standard mean and deviation have been used, in addition to inferential statistics tests such as Kolmogorov-Smirnov test for data normalization, Pearson correlation coefficient, and stepwise multiple regression. The results showed that there is a positive and significant relationship between legislative, executive, judicial, monarchic, hierarchical, anarchic, global, local, external, and Liberal thinking styles with achievement motivation of junior schools student district 2 in khorramabad city, But between thinking style oligarchic, internal and conservative no significant relationship with achievement motivation. As well as between all variables of creativity and its dimensions (fluency, elaboration, originality, flexibility) positive and significant relationship with achievement motivation. In addition, based on the results of stepwise multiple regression analysis, among the predictor variables included in the analysis in thinking styles, external thinking style, hierarchical, executive and Liberal together 19% and in the dimensions of creativity, fluency dimensions and originality 20 Percentage of variance explains the motivation for progress.

Keywords: Thinking styles, creativity, achievement motivation.